

## FASCISM, RULE, AND LEGITIMACY

<http://www.ghandchi.com/416-fascism-plus.htm>



سام قندچی

### فاشیسم، حاکمیت، و مشروعیت

اصلاح طلبان حکومتی ایران پس از دنبال کردن سالها برنامه های شکست خورده "دموکراسی اسلامی" و عدم پشتیبانی از حق نیروهای غیر مذهبی در شرکت در پروسه سیاسی، امروز پس از حذف شدن خودشان از انتخابات رئیس جمهوری، با طرح بااصطلاح جبهه ضد فاشیسم جلو آمده اند، که بعداً توضیح میدهم، و این بار اینگونه میخواهند نیروهای سکولار را بدنبال خود بکشانند. همانطور که قبلاً نوشتم، جبهه مشارکت راهی را میروود که نهضت آزادی رفت، اول بازرگان از قوه مجریه حذف شد، و بعد هم نهضت آزادی از قوه مقننه رانده شد، و در قوه قضائیه هم هیچگاه اهمیتی نداشت. در نتیجه فقط به نیروئی تبدیل شدند که هرگاه هر جناح رژیم، در زمانهای تهدید خارجی یا قیامهای داخلی و امثالهم، به آنها نیاز داشته است، به آنها قدری آزادی میدهد، و به محض آنکه خطر برای رژیم رفع شد، حتی در زمان دولت بااصطلاح رفرمیست خاتمی، آنها را به بازداشتگاه وزارت اطلاعات بردند و نیروهای سکولار پیش قراول دفاع از آنها شدند، اما باز هم پس از آزادی، هم اینان در پی توجیه این رژیم در تضییق آزادی های نیروهای سکولار نمودند. این واقعیت نهضت آزادی و نیروهای ملی- مذهبی طی نیم قرن گذشته بوده است، و اگر نهضت آزادی تاکنون سمبل آن بود، امروزه جبهه مشارکت هم نوع دیگر همین برخوردار به فاشیسم اسلامی است، با تفاوتهایی که در مقاله دیگری توضیح دادم [http://www.ghandchi.com/415-SecondRound.htm] و موضوع تازه ای نیست.

متأسفانه جنبش سکولار ما سالها تصور کرده است، که نیروهای ملی-مذهبی جدید، نظیر جبهه مشارکت، از نفوذ زیادی بین مردم برخوردارند، و به این علت دنباله رو این جریان شده است. اگر دور اول انتخابات نهم ریاست جمهوری اسلامی یک ارزش داشته باشد، همانگونه که در مقاله ذکر شده نشان دادم، این بود که آشکار کرد که نیروهای بااصطلاح اصلاح طلب مذهبی در ایران، نیروی کوچکی هستند که فقط وقتی پشتیبانی نیروهای سکولار را دارند، چشمگیر بنظر میآیند. در نتیجه نیروهای سکولار ایران، قدرت و نفوذ خود را امروز بهتر میتوانند درک کنند. کسانی که در جنبش سکولار ایران در 26 سال گذشته، دنباله روی از نیروهای ملی-مذهبی و حتی لابی ایست های رژیم [http://www.ghandchi.com/349-Lobbyists.htm] را تبلیغ کرده اند، امروز تحت عنوان پشتیبانی از طرح بااصطلاح جبهه ضد فاشیسم، میخواهند ما را پس از همه این تجربه، دوباره به دنباله نیروهای ملی-مذهبی تبدیل کنند.

**آیا من با جبهه ضد فاشیسم مخالفم؟ خیر.** اتفاقاً 26 سال است که ما نیاز به چنین جبهه ای داشته ایم، وقتی دانشجویان ما در زمان حکومت آقای خاتمی بااصطلاح اصلاح طلب، بخاطر مخالفت با حکومت، در زندان های جمهوری اسلامی میپوسند، فروهر ها قصابی میشوند و هنوز حقیقت به مردم گفته نمیشود، و زهرا کاظمی ها تحت شکنجه به قتل میرسند و قاتلین شان در مناصب قضائی کشور باقی میمانند، و حتی سایت های مستند اینترنتی نیز در این رژیم تحمل نشده و فیلتر میشوند. اما چرا یکبار در آخرین روزهای قبل از دور دوم انتخابات سراسر تقلاب، این طرح بااصطلاح جبهه ضد فاشیسم ارائه میشود، که مردم را حتی به شرکت در انتخابات دوره دوم این بازی های جمهوری اسلامی بکشد، که در واقع مشروعیت بخشیدن به رژیم فاشیستی است، و نه مبارز هیرای پایان دادن به فاشیسم. البته این تاکتیک با بقیه عملکرد ملی-مذهبی ها طی همه این سالها میخواند، زمانیکه یکبار خخلالی به اصلاح طلب تبدیل شد، و امروز هم هاشمی رفسنجانی. اما بحث من در زیر درباره این واقعیات نیروهای ملی مذهبی، که همه کس میدانند نیست، بلکه موضوع بحث من تئوری های ارائه شده توسط برخی صاحب نظران سکولار ایران است، که به توجیه این بازی های جمهوری اسلامی، آنها را با تحریف نمونه های تجربیات اروپا در زمینه مبارزه با فاشیسم، باعث گمراهی مردم میشوند. اجازه دهید توضیح دهم.

امروزه خیلی از بحث بقدرت رسیدن فاشیسم در آلمان استفاده میشود، و بد نیست چند نکته تاریخی را در این باره توضیح دهم. دولت وایمار در آلمان که قبل از هیتلر بر سر کار بود، یک دولت \*دموکراتیک\* بود، و مشروعیتش هم بر روی یک

سیستم انتخابی متکی بود. در نتیجه فاشیسم، اول آن مشروعیت را مجبور بود بپذیرد، و با انتخابات آزاد به حاکمیت برسد. اما پس از آنکه بقدرت رسید، دیگر حتی نیازی به قبول روش دموکراتیک برای بستن رایشتاگ نمیدید. در مقایسه در جمهوری اسلامی، همه این سالها همین نیروهای فاشیست بوده اند که قدرت واقعی بوده اند، و آزادیخواهان را به زندان میانداختند، فروهر ها را میکشند، و زهرا کاظمی ها را در زیر شکنجه کشته و کماکان رئیس دادستانی میمانند. در نتیجه این نیروی فاشیستی، احتیاجی به قبول مشروعیت انتخابی برای بقدرت رسیدن نداشته است، چرا که خود در قدرت بوده است. در واقع هدف این ها، برعکس فاشیسم آلمان، نه قبول مشروعیت برای بقدرت رسیدن در انتخابات آزاد، بلکه بخاطر در قدرت بودن نامشروع، آنهم در قدرت بودن نه نظیر فاشیسم برای کمتر از 10 سال، بلکه برای 26 سال، نیازمند \*ایجاد\* و \*تجدید\* مشروعیت هستند، چه بخاطر جنبش مردم در داخل، و چه بخاطر فشارهای خارجی، در منطقه ای که دموکراسی مسأله روز است. در نتیجه هر جبهه ضد فاشیستی، اولین وظیفه اش افشا و مبارزه با مشروعیت سازی این فاشیسمی است که 26 سال است در \*قدرت\* است و نه آنکه خیال کنیم تازه میخواد، نظیر هیتلر، با استفاده از قبول مشروعیت، به قدرت برسد.

اجازه دهید تجربه کروی در این انتخابات را توضیح دهم، که گرچه کمی خسته کننده است، ولی اصل بحث من را روشن تر میکند. وزارت اطلاعات در پاسخ کروی در 29 خرداد اطلاعیه زیر را صادر کرده است:

"وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه ای به اظهارات روز گذشته مهدی کروی مبنی بر نظر سنجی های القایی این وزارتخانه به مسوولان پاسخ داد. به گزارش خبرگزاری "مهر" در این اطلاعیه آمده است: حضور شکوهمند و سرافرازانه ملت شریف ایران در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که تجلی وفاق و تبلور همبستگی ملی و در حقیقت، پیروزی تاریخی ملت ایران محسوب می گردد، موجب شادی روح بلند حضرت امام خمینی (ره)، شهدای گرانقدر و شادی دوستداران انقلاب اسلامی شده و منشاء پاس، سرخوردگی و حیرانی دشمنان این آب و خاک و نیز امیدواری ملت و دلسوزان به کشور و انقلاب گردیده است. وزارت اطلاعات در ادامه بیانیه خود ضمن تبریک این پیروزی بزرگ تاریخی و حماسی به پیشگاه رهبری معظم انقلاب اسلامی و مردم شریف و متعهد ایران ابراز امیدواری کرد که این پیروزی درس بزرگی برای دشمنان ملت ایران که با بی بهره گی از واقعیت ریشه های عمیق هویتی و دینی این ملت، بر طبل خصومت و کینه توزی با این ملت می کوبند و همچنین مقدمه ای برای انتخاب مسیر عقابیت و خردورزی سیاسی در مناسباتشان با ملت و دولت ایران اسلامی باشد. این اطلاعیه می افزاید: وزارت اطلاعات ضمن اجر نهادن به حرکت پویای مردم گرانقدر ایران، در خصوص اظهارات جناب آقای کروی درباره نظرسنجی های انجام شده انتخاباتی، به ایشان که از سرمایه های بزرگ انقلاب اسلامی محسوب می گردند، به واسطه کسب موفقیت در جلب اعتماد بخش قابل توجهی از مردم ایران تبریک عرض نموده و اعلام می داریم در برآوردی از وضعیت کاندیداهای محترم ریاست جمهوری در مقاطع متعدد، طبق نظرسنجی های این وزارتخانه در موج سوم تغییر و تحولات انتخاباتی که در روزهای آخر قبل از انتخابات آغاز گردید، رشد چشمگیر گرایش به ایشان و برخی دیگر از کاندیداها و افول گرایش عمومی به برخی دیگر از کاندیداها به وضوح پیش بینی شده است. در این اطلاعیه تاکید شده است: به نظر می رسد جناب آقای کروی با فرصت مطالعه این نظرسنجی ها را نداشته اند و یا به نتایج در حال تحول این نظرسنجی ها در شهرهای مرکز استان توجه چندانی نفرموده اند و همین امر موجب گردیده که متأسفانه در قضاوت و به کارگیری برخی از واژگان عجله کنند. در پایان اطلاعیه وزارت اطلاعات یادآوری شده است که این وزارتخانه، پس از برگزاری مرحله دوم انتخابات، در مورد سایر "مسائل گفتنی" و مهم ترین اقدام های انجام شده در راستای برگزاری هرچه شکوهمندتر نهمین انتخابات ریاست جمهوری و نحوه نظرسنجی های انجام شده و اطلاع رسانی های به عمل آمده در این خصوص، گزارشی به محضر ملت شریف ایران ارائه خواهد کرد. [http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=197289]"

به عبارت دیگر، در باصطلاح موج سوم روزهای آخر انتخابات، آقای کروی و احمدی نژاد با برنامه، رأی هایشان زیاد شده، اولی در شهرستان ها، و دومی در تهران، یعنی که که آقای کروی باشتباه تصور کرده اند که این رأی ها مال ایشان است، و یادشان رفته در جمهوری اسلامی زندگی میکنند. به عبارت دیگر، در مرحله نخست انتخابات، هدف رژیم با بازی معین [http://www.ghandchi.com/410-Moin.htm] کشاندن مردم به انتخابات جهت ایجاد مشروعیت برای حاکمان فاشیست ایران بود، و در مرحله دوم، با ایجاد انتخاب بین یدو نفر، یکی احمدی نژاد با قیافه واقعی حزب الله، که همه این ساله مردم ایران با آن در کوچه و خیابان و زندان و شکنجه گاه آشنا هستند، در برابر حزب اللی های دیگر با گفتار و چهره دیپلماتیک، نظیر رفسنجانی، بدینسان فاشیسم برای خود مشروعیت کسب کند، چرا که قدرت را 26 سال است که دارد، و به مشروعیت برای \*ادامه حیات\* خود در شرایط کنونی خاورمیانه ای که هر روز بیشتر بسوی دموکراسی و سکولاریسم میروند، بیشتر نیاز دارد. در نتیجه هدف فاشیسم در ایران، مشروعیت بخشیدن به حاکمیتی است که دارد، و نه آنکه به حاکمیت برسد، که 26 سال است که در حاکمیت است.

در پایان لازم به تذکر است که واقعیت بی عدالتی در ایران جمهوری اسلامی، که در ارتباط با رأی احمدی نژاد طرح میشود، اساساً بمعنی جامعه سنتی و اسلامی نیست، که برخی این بحث را برای توجیه دفاع از اسلامگرائی طرح میکنند

[http://www.iranian.com/NaderDavoodi/2005/June/Ahmadinejad/index.html] هر چند عدم وجود عدالت اجتماعي براي طبقات محروم در ايران، واقعي غير قابل انكار است، كه هميشه نبروهاي سكو لار طي اين سالها ياد آور شده اند، اما عدالت اسلامي، يعني شعار مورد استفاده امثال خميني در زمان انقلاب 57، بسان دموكراسي اسلامي، يعني شعار مورد استفاده رفسنجاني و خاتمي، زمانيكه اسلام سياسي خود بزرگترين دليل تضديقات ضد عدالت و دموكراسي در جامعه ماست، شعارهاي پوچي بيش هستند، و پايان اسلام سياسي و جمهوري اسلامي و فراندوم قانون اساسي، و تدوين يك قانوني مترقي، اولين گامها براي رسيدن به عدالت و دموكراسي در ايران ميباشند. البته بسياري از مصادره كنندگان ديروز، امروز از مصادره شدن مي هراسند، و از اين نظر از يكي از دو كانديدا كه به آنها نزديك تر است دفاع ميكنند، يا حتي در گذشته از فراندوم دفاع كردند، چرا كه از يك كودتاي پاسداران كه ژست انقلابي بگيرد و نظير آخرطن روزهاي شاه، اموال شريكان گذشته را مصادره كند و به زندانشان افكند، يا از انقلاب و تحولي كه چنين كار ها را كند، در هراسند اما اين اصل بحث فاشيسم در ايران نيست، كه همه اين سالها بر مخالفين جنين رفته است، و البته هر گروه مالي در ايران مزدوران خود را دارد، و موضوع اين دسته بندي ها و اعمالشان بحث ديگري است.

امروز جبهه ضد فاشيسم در ايران يعني جبهه مردم و نبروهاي سكو لاري كه انتخابات شوراها، مجلس هفتم، و دور اول انتخابات نهم را تحريم کرده اند و افراد و نبروهاي مذهبي كه واقعاً خواهان دموكراسي هستند، از اين جبهه سكو لار تحريم كننده بايستي دفاع كند، و نه آنكه دوباره بدنبال نبروهاي اسلام سياسي روان شوند كه 26 سال است در ايران فاشيسم مذهبي را براي ما به ارمغان آورده اند. همه تجربه اين سالها به ما بار ديگر نشان داد كه "دموكراسي اسلامي" سرابي بيش نيست، و دموكراسي جدا از سكو لاريسم بي معني است، و انسانهاي مذهبي كه واقعاً خواهان دموكراسي هستند از رهبري سكو لار پشنيباني ميكنند.

به اميد **جمهوری آینده نگر** فدرال، دموكراتيک، و سكو لار در ايران

سام قندچي، ناشر و سردبير  
ايرانسكوپ

<http://www.iranscope.com>

31 خرداد 1384

June 21, 2005

مقالات مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/415-SecondRound.htm>

<http://www.ghandchi.com/412-PowerReligion.htm>

<http://www.ghandchi.com/600-SecularismPluralism.htm>

مقالات تئوريک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>